

فهرست مطالب



فصل اول: از قانون اساسی جمهوری اسلامی	۲۵
فصل دوم: از قانون مدنی	۳۷
مبحث چهارم- طرق مختلفه انقضای وکالت	۷۷
فصل سوم: از قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹	۱۳۷
فصل چهارم: از قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲	۲۰۵
فصل پنجم: از قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲	۳۲۵
فصل ششم: قانون وکالت مصوب ۱۳۱۵	۳۳۷
فصل اول- وکیل و شرایط وکالت	۳۳۸
فصل دوم- تشکیلات وکلاء	۳۴۷
فصل سوم- حقوق و وظایف	۳۵۴
فصل چهارم- در تعقیب و مجازات انتظامی وکلاء	۴۱۰
فصل پنجم- مقررات مختلفه	۴۲۴
فصل هفتم: لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳	۴۲۷

فصل هشتم: قانون کیفیت اخذ پروانه وکالت دادگستری مصوب ۱۳۷۶	۴۹۳.....
فصل نهم: مصوبه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰.....	۵۶۷.....
فصل دهم: از برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹.....	۵۷۳.....
فصل یازدهم: قانون تشکیل صندوق حمایت وکلاء و کارگشایان دادگستری مصوب ۱۳۵۵.....	۵۹۷.....
فصل دوازدهم: از قانون پاره‌ای از قوانین دادگستری مصوب ۱۳۵۶.....	۶۲۱.....
فصل سیزدهم: آیین‌نامه تعرفه حق‌الوکاله، حق‌المشاوره و هزینه سفر وکلای دادگستری مصوب ۱۳۹۸ رئیس قوه قضائیه.....	۶۳۱.....
فصل چهاردهم: آیین‌نامه اجرایی لایحه قانونی استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۴۰۰.....	۶۸۳.....
بخش اول - کلیات.....	۶۸۵.....
بخش دوم - انتخاب هیأت مدیره.....	۶۹۶.....
بخش سوم - انتخابات هیأت رئیسه کانون و وظایف آن.....	۷۱۷.....
بخش چهارم - آزمون ورودی، پروانه وکالت و کارآموزی.....	۷۳۲.....
بخش پنجم - درجه‌بندی وکلاء و ترفیعات.....	۷۶۶.....
بخش ششم - تعهدات و وظایف وکلاء.....	۷۷۰.....
بخش هفتم - دادرسی و دادگاه انتظامی.....	۸۰۶.....
بخش هشتم - تخلفات و مجازات‌های انتظامی.....	۸۳۶.....
بخش نهم - اجرای احکام انتظامی.....	۹۱۷.....
بخش دهم - سایر مقررات.....	۹۲۵.....
فهرست تفصیلی مطالب.....	۹۳۹.....

فصل اول:

از قانون اساسی جمهوری اسلامی



اصل ۳۵- در همه دادگاه‌ها طرفین دعوا حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند و اگر توانایی انتخاب وکیل را نداشته باشند، باید برای آنها امکانات تعیین وکیل فراهم گردد.

■ در اصل ۳۵ ق.ا، چه بسا به یکی از این جهات، از واژه «دادگاه‌ها» به جای «مراجع قضایی» استفاده شده است:

۱- شاید تهیه‌کنندگان پیش‌نویس نهایی ق.ا، در بحبوحه رسیدگی مراجع قضایی به پرونده‌های قضایی به‌ویژه در دادگاه‌های انقلاب، به تحلیل ظاهری و نادرستی مانند پیشگیری از اطاله دادرسی، با حذف وکیل از دادرسی یا شاید عدم اعتقاد به وجود نهاد قانونی تحت عنوان دادرسی (پارکه)، می‌خواستند رسیدگی‌ها را تسریع بخشند.

۲- احتمال دوم این است که شاید آنها مسامحتاً واژه «دادگاه‌ها» را به جای «مراجع قضایی» به کار برده‌اند و یا این نکته که اصولاً رسیدگی در دادرسی، مقدمه رسیدگی در این دادگاه‌هاست، لازم به تصریح در این امر بدیهی ندیده باشند. مضافاً اینکه اصل نیز بر این است که قانون‌گذار ق.ا، برای حفظ شأن خود و ق.ا، به تفصیل تقنین نمی‌کند و تبیین جزئیات را به

■ «وکیل دادگستری» کسی است که به وکالت از یکی از طرفین دعوا، وظیفه طرح و تعقیب دعوا و یا دفاع از آن را در مراجع قضایی بر عهده می‌گیرد. از آنجا که قوانین و مقررات حاکم بر جامعه، به‌ویژه قوانین مربوط به امور مدنی، کیفری و تجاری، گوناگون و پیچیده بوده و فهم و فراگیری آن برای همگان، نه لازم است و نه آسان؛ بنابراین، وجود وکیل و دخالت وی در دعاوی و اختلاف‌هایی که به دادگستری ارجاع می‌شود، امری ضروری و تردیدناپذیر است. تا آنجا که می‌توان گفت، هر جا قانونی وجود دارد، یک نفر قضایی برای تطبیق آن قانون با موارد اختلاف، و هر جا دادرسی و حاکمی باشد، حداقل وجود ۲ نفر وکیل برای طرفین اختلاف، ضروری است. (بهشتی، محمدجواد؛ مردانی، نادر؛ آیین دادرسی مدنی، ج ۱، ص ۲۲۳)



محمد، اصول و مبانی کلی نظام جمهوری اسلامی ایران، چ ۱۲، ص (۱۸۴)

■ با وجود این که بر اساس اصل ۹۸، تفسیر ق.ا به عهده شورای نگهبان است، وفق نظریه شماره ۵۳۱۸-۱۳۷۲/۰۷/۲۴ شورای نگهبان هیچ‌یک از مراجع قانون‌گذاری حق رد و ابطال و نقض و فسخ مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام را ندارد، در سال ۱۳۹۳، بخشنامه‌ای از سوی قوه قضائیه صادر گردیده که برخلاف تبصره ۳ مصوبه انتخاب وکیل توسط اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد که اوج احترام را برای وکلای دادگستری قائل شده و اشعار داشته: «وکیل در موضع دفاع، از احترام و تأمینات شاغلین شغل قضا، برخوردار می‌باشد.» باید دانست این مقرر حکایت از این دارد که وکیل و قاضی دو بال فرشته زیبای عدالت هستند. متأسفانه ما شاهد تفتیش بدنی و تأمین وسایل ارتباطی مخابراتی و کلاه در ورودی دادگستری می‌باشیم که این محرومیت قطع‌کننده رابطه وکیل با موکل در دادگستری اعم از محاکم و دادسراها می‌باشد و بدیهی است که از آنجاییکه «اذن در شی اذن در لوازم آن نیز هست» و

قانون‌گذار دارای صلاحیت وضع قوانین عادی می‌سپارد.

این استدلالها را در حالی باید مورد اندیشه قرار داد که می‌بایستی ارزش وجودی دادسرا را بیشتر از همیشه درک نموده و تلخی‌ها و آسیب‌های ناشی از تصویب ق.ت.د.ع.ا در سال ۱۳۷۳ که به حذف دادسرا انجامید را همواره در خاطر داشته باشیم.

■ حق مندرج در اصل مذکور به رسیدگی در دادگاه‌هاست و قابل تسری به تحقیقات مقدماتی که توسط دادسرا انجام می‌شود نیست به همان حق پیش‌بینی‌شده برای متهمان در تبصره ماده ۱۱۲ ق.ا.د.ک اکتفا شد. با لازم‌الاجراء شدن قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب، که منجر به حذف دادسرا شد، هر چند که استدلال فوق به علت سپردن امر تحقیق به قاضی دادگاه دیگر بی‌اعتبار می‌نمود لیکن متأسفانه گامی در جهت اجرای اصل سی‌وپنجم ق.ا و تعیین وکیل مدافع تسخیری برای متهمان که قادر به تعیین وکیل برای خود نبودند، برداشته نشد. (آشوری، محمد، آیین دادرسی کیفری، ج ۲، چ ۶، ص ۱۰۹)

■ حق انتخاب وکیل، امری همگانی است و طبعاً غیرمسلمانان غیر اهل کتاب را نیز شامل می‌شود. (هاشمی، سید

(صالح احمدی، سعید، ق.ا.ج.ا. در نظم حقوقی کنونی، چ ۲، ش ۵۴۵، صص ۱۸۱-۱۸۰)

■ اصل ۲۶ ق.ا اشعار نموده: «حزب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط به این که اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند؛ هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» یکی از حقوق وکلای دادگستری، حق بر تشکیل جمعیت‌ها، تشکّل‌ها و انجمن‌های صنفی و فعالیت آزادانه در این راستاست همانگونه که آزادی صنفی و کلاء (لفظ «صنف»، از روی مسامحه به کار می‌رود و باید اصطلاح مناسب‌تری برای وکلاء وضع نمود) نیز علاوه بر استقلال آنها و کانون‌های وکلای دادگستری، ریشه در اصولی از ق.ا از جمله اصل ۲۶ دارد. اصل ۲۶ بدان معناست که هیچ وکیلی را نمی‌توان از شرکت در جمعیت‌ها، تشکّل‌ها و انجمن‌های صنفی منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت یا محدود نمود. آزادی صنفی و کلاء از جمله حق بر تشکیل اتحادیه

احترام و دسترسی به وسایل ارتباطی وکیل، لازمه کار او در دفاع و اثبات می‌باشد.

پیشتر نیز بخشنامه‌ای توسط معاون دادگستری استان تهران، خطاب به رؤسای واحدهای قضایی دادگستری کل استان تهران در معرض دید عموم قرار گرفته و آمده است: «... با توجه به تمهیدات اخیر معاندین نظام ... ج.ا.ا علیه کارکنان دستگاه قضایی ضمن تأکید بر اجرای دقیق (ساماندهی نظارت بر تردد مراجعین) تأکید بر انجام بازرسی بدنی با رعایت شئون (همراه داشتن گیت دستی) از کلیه مراجعین اعم از وکلاء، کارشناسان، ... در خصوص اخذ وسایل همراه افراد از قبیل سلاح سرد و گرم، بی‌سیم، تلفن همراه، فلش و... اقدام...»

پیشنهاد ما لغو فوری این چنین بخشنامه‌هایی در راستای تکریم مصوّبات مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. این قبیل رفتارها، تحقیر و توهین به شخصیت و کرامت وکلای دادگستری است که خلاف قوانین موضوعه از جمله ماده ۲۰ ل.ا.ک.و.د مصوّب ۱۳۳۳/۱۲/۵ می‌باشد که به موجب آن: «توهین به وکیل در حین انجام وظیفه مستوجب مجازات حبس از ۱۵ روز تا ۳ ماه می‌باشد.»

بنابراین رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد، صحیح و مطابق با قانون تشخیص می‌شود.

این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه قضایی مصوب ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها در موارد مشابه لازم‌الاتباع است. (به نقل از: روزنامه رسمی شماره ۱۲۳۱۴-۱۳۶۶/۰۳/۱۹)

■ رأی وحدت رویه شماره ۱۵-۱۳۶۳/۰۶/۲۸ (ردیف ۶۲/۷۱) ه.ع.د.ک:

نظر بر اینکه در اصل ۳۵ ق.ا.ج.ا. برای حق استفاده از وکیل اهمیت خاصی منظور گردیده و از طرفی با توجه به ماده ۹ قانون تشکیل محاکم جنایی و مستنبط از مقررات تبصره ۲ ماده ۷ و ماده ۱۲ لایحه قانونی تشکیل دادگاه‌های عمومی مصوب ۲۰ شهریور ۱۳۵۸ و اصلاحیه‌های بعدی آن با لحاظ بخشنامه مورخ ۱۳۶۱/۰۷/۱۷ شورای نگهبان دارای اعتبار قانونی است، مداخله وکیل تسخیری «در صورتی که متهم شخصاً وکیل تعیین نکرده باشد» در محاکم کیفری و درموردی که مجازات اصلی آن جرم اعدام یا حبس دائم باشد ضروری است، بنابراین رأی شعبه ۱۶ دیوان

و کلاء و حق تشکیل اتحادیه کانون‌های و کلاء، از حقوق مسلم آنهاست همانگونه که کانون‌های و کلاء نیز دارای حق تشکیل اتحادیه، هستند. چنین آزادی‌هایی، مستلزم تأمین و تضمین مقدمات آنها جهت فراهم نمودن زمینه لازم برای رشد و کلاء و کانون‌های و کلاست. هر چقدر مقررات گذاری این دو حوزه، بر اساس اراده خود و کلاء و کانون‌ها باشد و هر یک از این دو، استقلال دیگری را نیز مراعات کنند و حاکمیت نیز اراده باطنی در عدم مداخله در این قبیل امور داشته باشد، شبکه‌سازی صنفی و اجتماعی لازم برای تعالی جامعه و کالت، عمیق‌تر و اثرگذارتر خواهد بود.

■ رأی وحدت رویه شماره ۵۰۱-۱۳۶۶/۰۱/۲۰ (ردیف ۶۵-۱۱۹) ه.ع.د.ک:

نظر به عموم و اطلاق ماده ۲۸۴ قانون اصلاح موادی از ق.ا.د.ک مصوب ۱۳۶۱ که حکم بدوی را در ۳ مورد قابل تجدیدنظر و نقص شناخته چنانچه وقوع بزه و مراتب رسیدگی قبل از رأی وحدت رویه شماره ۱۵-۱۳۶۳/۰۶/۲۸ ه.ع.د.ک بوده ولی انشاء حکم بعد از رأی مذکور و بدون دخالت وکیل باشد، مقررات ماده ۲۸۴ قانون فوق‌الاشعار قابل اعمال است؛

هر متقاضی مجوز کسب و کار در صورت ارائه مدارک مصرح در درگاه ملی مجوزهای کشور بتواند در حداقل زمان ممکن، مجوز مورد نظر خود را دریافت کند. سقف زمانی برای صدور مجوز در هر کسب و کار، توسط هیأت مقررات‌زادایی و بهبود محیط کسب و کار تعیین و در درگاه مذکور اعلام می‌شود» و همچنین به موجب تبصره ۳ همین ماده: «این هیأت موظف است حداکثر تا مدت سه ماه پس از ابلاغ این قانون، شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب و کار در مقررات، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و مانند اینها را به نحوی تسهیل و تسریع نماید و هزینه‌های آن را به نحوی تقلیل دهد که صدور مجوز کسب و کار در کشور با حداقل هزینه و مراحل آن ترجیحاً به صورت آنی و غیرحضور و راه اندازی آن کسب و کار در کمترین زمان ممکن صورت پذیرد.» بر اساس احکام قانونی مذکور، اولاً هیأت مقررات‌زادایی و بهبود محیط کسب و کار موظف شده است که به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را ساده کند و مشاغل مربوط به وکالت و کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده مصداق

عالی کشور که در خصوص مورد بر اساس این نظر صادر شده قانونی و موجه تشخیص می‌گردد.

این رأی، طبق ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضایی مصوب سال ۱۳۲۸ در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاه‌ها لازم‌الاتباع است. (به نقل از: روزنامه رسمی شماره ۱۱۵۷۰-۱۳۶۳/۰۸/۲۴) ■ رأی شماره ۳۲۷۳-۳۲۷۲ مورخه ۱۴۰۰/۱۲/۱۴ (شماره پرونده: ۰۰۰۱۱۶۳-۰۰۰۱۴۳۸ ه.ع.د.ع.ا):

بر اساس بند ۲۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق.ا (اصلاحی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۱۵): «مجوز کسب و کار، هر نوع اجازه الکترونیکی و غیرالکترونیکی اعم از مجوز، پروانه، اجازه نامه، گواهی، جواز، نماد، پاسخ به استعلام، موافقت، تأییدیه یا مصوبه و هر نوع سند مکتوبی است که برای شروع، ادامه، توسعه، انحلال یا بهره‌برداری فعالیت اقتصادی توسط مراجع ذیربط صادر می‌شود» و مطابق ماده ۷ همین قانون (اصلاحی مصوب ۱۳۹۹/۱۱/۱۵): «به منظور تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران، مراجع صدور مجوزهای کسب و کار موظفند شرایط و فرآیند صدور یا تمدید مجوزهای کسب و کار را به نحوی ساده کنند که

مزبور از شمول احکام مقرر در ماده ۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق.ا. خارج هستند و ه.ع.د.ع.ا نیز قبلاً و بر اساس آرای شماره ۲۷۵۰ الی ۲۷۵۳-۱۳۹۸/۰۹/۱۹ و ۱۷۶۸ الی ۱۷۶۹-۱۳۹۹/۱۱/۲۱ حکم به ابطال مقرراتی صادر کرده است که متضمن دخالت هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار در حوزه‌هایی بوده که قانون‌گذار شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار را در آنها مشخص کرده است. بنا به مراتب فوق، تصویب بند (ج) مصوبه شماره ۱۴۰۰/۰۳/۰۱-۳۰۶۲۲/۸۰ هیأت مزبور که متضمن الزام کانون‌های وکلای دادگستری مرکز و مرکز وکلاء، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه به بارگذاری و تکمیل اطلاعات مربوط به عنوان مجوزهای صادره در درگاه ملی مجوزهای کشور است، از حدود صلاحیت هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار خارج است و لذا مستند به حکم مقرر در بند ۱ ماده ۱۲ و مواد ۱۳ و ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا مصوب سال ۱۳۹۲، بند مذکور از مصوبه شماره ۱۴۰۰/۰۳/۰۱-۳۰۶۲۲/۸۰ هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط

فعالیت اقتصادی مقرر در بند ۲۱ ماده ۱ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق.ا. محسوب نمی‌شوند و تحقق هدف تسهیل سرمایه‌گذاری در ایران به شرح مقرر در ماده ۷ همین قانون در خصوص آنها موضوعیت ندارد تا از کسب‌وکارهای مصرح در ماده اخیر محسوب شوند.

ثانیاً: حکم مقرر در تبصره ۳ ماده ۷ قانون اجرای سیاستهای کلی اصل ۴۴ ق.ا. مبنی بر تکلیف هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب‌وکار به تسهیل شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار در مقررات، بخشنامه‌ها، آیین‌نامه‌ها و مانند اینها بیانگر این امر است که در مواردی که قانون‌گذار در قوانین عادی شرایط و مراحل صدور مجوزهای کسب‌وکار را تعیین کرده، هیأت مزبور صلاحیت اجرای تکلیف مقرر در تبصره ۳ ماده ۷ قانون مزبور را ندارد و با عنایت به اینکه در رابطه با وکالت دادگستری، کارشناسان رسمی و مشاوران خانواده و نحوه صدور پروانه فعالیت در این حوزه‌ها در ق.و.ل.ا.ک.و.د، ق.ک.ا.پ.و.و، ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. و ق.ک.ر.د تعیین تکلیف شده است، لذا مشاغل

کسب و کار از تاریخ تصویب ابطال
می‌شود. ■ ر.ک به: مصوبه انتخاب وکیل توسط
اصحاب دعوی مصوب ۱۳۷۰/۰۷/۱۱
مجمع تشخیص مصلحت نظام.

اصل ۱۴۱- رئیس جمهور، معاونان رئیس جمهور، وزیران و کارمندان دولت نمی‌توانند بیش از یک شغل دولتی داشته باشند و داشتن هر نوع شغل دیگر در مؤسساتی که تمام یا قسمتی از سرمایه آن متعلق به دولت یا مؤسسات عمومی است و نمایندگی مجلس شورای اسلامی و وکالت دادگستری و مشاوره حقوقی و نیز ریاست و مدیریت عامل یا عضویت در هیأت مدیره انواع مختلف شرکت‌های خصوصی، جز شرکت‌های تعاونی ادارات و مؤسسات برای آنان ممنوع است. سمت‌های آموزشی در دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی، از این حکم مستثنی است.

ممنوعیت
تصدی بیش
از یک شغل

■ وکالت دادگستری، با آنکه در حوزه مشاغل دولتی و عمومی قرار نمی‌گیرد، در مجموع ممنوعیت موضوع اصل ۱۴۱ قرار گرفته است. البته، با مراجعه به مباحثات مربوط به اصل مورد نظر در محل یا در مجال بررسی نهایی ق.ا، گویا منظور وکلایی بوده که در استخدام دولت قرار دارند، (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی ق.ا، ص ۱۰۹۱) درحالی‌که اگر وکیل در استخدام رسمی دولت باشد، کارمند محسوب می‌شود و در این صورت، عنوان وکیل به وی اطلاق نمی‌گردد. به هر حال، نظر به اینکه، مذاکرات مجلس استناد قانونی ندارد، با تصریحی که در اصل به عمل آمده، مطلق «وکالت دادگستری» مشمول

اصل ممنوعیت جمع دو شغل می‌باشد. (هاشمی، سید محمد، حاکمیت و نهادهای سیاسی، چ ۱۶، ص ۱۷)

■ قید «اجازه وزارت دادگستری» در ماده ۱۵ ق.د.ا.ر که اشعار نموده: «مشاغل زیر منافی شغل سردفتری و دفترباری است:

۱- قضاوت و وکالت دادگستری و عضویت در مؤسسات دولتی و وابسته به دولت و شهرداری‌ها.

۲- اشتغال به امر تجارت بنا به تعریف ماده ۱ قانون تجارت.

۳- عضویت در هیأت مدیره و مدیریت عامل شرکت‌های تجاری و بانک‌ها و یا مؤسسات بیمه و مؤسسات دولتی و یا وابسته به دولت.



۴- مدیریت روزنامه یا مجله اعم از مدیر مسؤول یا مدیر داخلی و صاحب امتیاز و سردبیر. (به استثنای نشریه کانون سردفتران و مجلاتی که صرفاً جنبه علمی داشته باشد)

تبصره ۱- تدریس در دانشکده‌ها و مدارس عالی با اجازه وزارت دادگستری مانع از اشتغال به شغل سردفتری و یا دفترباری نخواهد بود.

تبصره ۲- سردفتر یا دفتربار در صورت انتخاب به نمایندگی مجلسین یا شهردار انتخابی با حفظ سمت از اشتغال به سردفتری معذور خواهد بود و در این مدت دفترخانه به تصدی دفتربار واجد شرایط که از طرف سردفتر معرفی می‌شود اداره خواهد شد. مدت نمایندگی سردفتر در مجلسین یا خدمت در سمت شهردار انتخابی جزء سنوات خدمات او محسوب می‌شود.» به واسطه مخالفت با اصل ۱۴۱ ق.ا، فاقد اعتبار است؛ چون قوانین عادی، از قدرت لازم برای تعارض با ق.ا را برخوردار نیستند. (صالح احمدی، سعید، قوانین خاص حقوق خصوصی در نظم حقوقی کنونی، چ ۱، ش ۲۱۶۳) وقتی خود ق.د.ا.ر نمی‌تواند مغایر با اصل ۱۴۱ ق.ا. باشد، تبصره ۴ ماده ۳ آیین‌نامه ق.د.ا.ر و کانون سردفتران و دفترباران مصوّب

۱۳۹۹/۱۲/۲۸ مصوّب رئیس قوه قضائیه که اشعار نموده: «تدریس در دانشگاه مانع شغل سردفتری نیست، مشروط به اینکه مستخدم دولت و یا عضو هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی نبوده و با اذن رئیس سازمان باشد.» به طریق اولی، به طور واضح، فاقد هرگونه اعتبار و احترام است و نتیجتاً اینکه فاقد هرگونه اعتبار است و نباید به آن اعتنا نمود. (صالح احمدی، سعید، ق.ا.ج.ا.ا در نظم حقوقی کنونی، چ ۲، ش ۱۷۲۸، ص ۵۲۷)

■ حکم مندرج در بخش پایانی ماده ۳ قانون راجع به منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری مصوّب ۱۳۳۷/۱۰/۰۲ که اشعار نموده: «از تاریخ تصویب این قانون، هیچ یک از نمایندگان مجلسین در دوره نمایندگی، حق قبول وکالت در محاکم و مراجع دادگستری ندارند، ولی دعاوی و وکالت‌هایی که قبل از تصویب این قانون قبول کرده‌اند، به قوت خود باقی است.» به دلیل مغایرت با اصل ۱۴۱ ق.ا، فاقد اعتبار است؛ زیرا قوانین عادی، فاقد قدرت لازم برای مقابله با ق.ا هستند.



قضایی در این آیین‌نامه و دیگر قوانین موضوعه وجود ندارد.

رابعاً: به‌موجب بندهای ۴ و ۷ لایحه قانونی راجع به منع مداخله وزرا و نمایندگان مجلسین و کارمندان دولت در معاملات دولتی و کشوری مصوّب ۱۳۳۷/۱۰/۲۲، کارکنان هر مؤسسه که نظارت و یا بازرسی بر آن متعلق به دولت و یا دستگاههای وابسته به آنها باشد، از داوری در دعاوی با دولت یا مجلس یا شهرداریها یا دستگاههای وابسته به آنان ممنوع شده‌اند و از این رو با فرض اینکه مدیران دفاتر خدمات الکترونیک قضایی از جمله کارکنان مؤسساتی دانسته شوند که بر آنها نظارت و یا بازرسی می‌شود و منظور از «دولت» در این فرض قوای سه‌گانه و از جمله قوه قضائیه باشد، این قبیل اشخاص صرفاً از داوری در دعاوی دولت و... و آن هم صرفاً داوری اختصاصی ممنوع شده‌اند.

خامساً: بر اساس بند (ه) ماده ۲۲ آیین‌نامه ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مصوّب سال ۱۳۹۶ اظهارنظر نسبت به پیشنهاد شورا در خصوص برنامه‌های راهبردی و عملیاتی، نظام‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها و دستورالعملهای اجرایی، نظارتی، فنی و مالی مورد نیاز دفاتر و خدمات

■ رأی شماره ۱۴۲-۱۴۱ مورخه ۱۴۰۱/۱۰/۱۲۰ (شماره پرونده: ۰۰۰۲۳۷۹-۰۰۰۲۳۲۳۰) ه.ع.د.ع.ا:

اولاً: وفق تبصره ۴ قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوّب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۸۸/۰۴/۲۰، تصدی هر نوع شغل دولتی و... و همچنین مشاوره حقوقی و... برای کارکنان دولت ممنوع است و با این وجود داشتن مؤسسه داوری و یا انجام عمل داوری و همچنین اشتغال در دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، شغل دولتی به شمار نمی‌رود.

ثانیاً: هر چند بر اساس ماده ۱۵ آیین‌نامه ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی مصوّب سال ۱۳۹۶ مدیر دفتر باید به‌صورت تمام وقت در دفتر حضور داشته باشد، اما این امر به‌معنای نفی تأسیس مرکز داوری و انجام عمل داوری خارج از اوقات اداری در دفتر خدمات الکترونیک قضایی نیست.

ثالثاً: بر مبنای ماده ۲۱ آیین‌نامه یادشده، اشخاص ممنوع از دریافت پروانه و اشتغال در دفتر مشخص شده و هیچ ممنوعیتی مبنی بر تصدی مؤسسه داوری و انجام داوری و در عین حال مدیریت خدمات الکترونیک



■ متحدالمال شماره ۴۰۷۶-۱۲۱۱۵ مورخه ۱۳۰۹/۰۵/۲۳ راجع به ندادن جواز وکالت به مستخدمین منتظر خدمت قضایی:

در تعقیب متحدالمال نمره ۴۸۲۸-۱۶۵۶۱ مورخ اول مهر ۱۳۰۸ دائر به عدم موافقت با صدور جواز وکالت مستخدمین قضایی منتظر خدمت لزوماً اخطار می‌نماید که چون بسط تشکیلات پاره‌ای نقاط در نظر است و به منتظرین خدمت قضایی این وزارتخانه ممکن است احتیاج باشد و خدماتی ارجاع شود در صورت قبول نکردن خدمتی که به آنها رجوع می‌شود و حفظ انتظامات داخلی، وزارت عدلیه خود را مجبور می‌بیند که به این قبیل مستخدمین اجازه وکالت در عدلیه را نداده و در صورتی که جواز وکالت در عدلیه را نداده و در صورتی که جواز وکالت آنها قبلاً صادر شده باشد مسترد دارد.

■ نظریه شماره ۹۷۴۲-۱۳۷۹/۰۹/۰۱-۱ کمیسیون تخصصی امور حقوقی کانون وکلای دادگستری مرکز:

با توجه به اصل ۱۴۱ ق.ا.ج.ا مبنی بر منع تصدی بیش از یک شغل برای اشخاص مذکور در اصل یادشده و نظر به بند ۱ ماده ۸۰ آیین‌نامه ل.ا.ک.و.د مصوّب آذرماه ۱۳۳۴ و اصلاحات

الکترونیک قضایی و اعلام آن جهت تصویب رئیس مرکز از جمله وظایف اداره کل خدمات الکترونیک قضایی ذکر شده و وفق بند (الف) ماده ۲۴ آیین‌نامه نیز از جمله وظایف شورا بررسی و پیشنهاد برنامه‌های راهبردی و عملیاتی، نظام‌نامه‌ها، شیوه‌نامه‌ها، و دستورالعملهای اجرایی، نظارتی و فنی و مالی مربوط به توسعه دفاتر و خدمات الکترونیک قضایی به اداره کل است. بنا به مراتب فوق، دستورالعمل شماره ۵۵۰/۲۲۴۱۵/۹۰۰۰-۱۳۹۹/۱۱/۰۶ معاون امور عمومی و پشتیبانی و سرپرست اداره کل خدمات الکترونیک قضایی با قوانین صدرالذکر مغایرت دارد و همچنین با عنایت به اینکه بر اساس بند (الف) ماده ۲۴ آیین‌نامه ایجاد دفاتر خدمات الکترونیک قضایی، بررسی و پیشنهاد دستورالعملهای اجرایی به اداره کل جهت اظهارنظر و اعلام برای تصویب رئیس مرکز، از جمله وظایف شورای مشورتی است و در حال حاضر این فرآیند طی نشده، بنابراین دستورالعمل مزبور خارج از حدود اختیار مرجع واضع نیز هست و مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.ت.و.آ.د.د.ع.ا مصوّب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

اصلاحات بعدی) نیز تصریحی به ممنوع بودن تصدی دو شغل مذکور نشده است و با یکدیگر نیز منافاتی ندارند، لذا تصدی دو شغل وکالت و کارشناس رسمی دادگستری، فاقد اشکال قانونی است.

■ نظریه مشورتی شماره ۱۳۹۸/۱۱/۱۵-۷/۹۸/۱۷۹۱ ا.ح.ق.:

با عنایت به اینکه مستفاد از اصل ۱۴۱ ق.ا.ج.ا. و تبصره ۴ ماده واحده قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوّب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱، اشتغال همزمان کارمندان دولت (اعم از قضات و کارکنان اداری) به وکالت دادگستری ممنوع است؛ بنابراین تودیع پروانه وکالت به کانون مربوطه، به منزله عدم اشتغال به وکالت محسوب و فاقد منع قانونی است.

■ ر.ک به: رأی شماره ۳۲۰-۱۳۹۷/۰۲/۲۵ (کلاسسه پرونده: ۹۷/۳۸۴) ع.ع.د.ع.ا. ذیل ماده ۱۸۷ برنامه سوم.

■ ر.ک به: قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوّب ۱۳۷۳/۱۰/۱۱.

بعدی که اشتغال وکیل را به کار دیگر که منافی با شئون وکالت باشد، منع نموده است و نظر به مسؤولیت‌ها و مصونیت‌های مندرج در ق.و.و آیین‌نامه‌های مربوط که برای حفظ حیثیت و شئون وکالت منظور شده است و اقتضای این امر اشتغال انحصاری وکیل به شغل وکالت می‌باشد، علی‌هذا تصدی وکیل دادگستری مادام که دارای پروانه معتبر وکالتی است، به سمت‌های اجرایی و مدیریتی فاقد مجوز قانونی است.

■ نظریه مشورتی شماره ۷۰۲-۱۴۰۰/۱۰/۰۶-۷/۱۴۰۰ ا.ح.ق.:

از آنجا که شغل وکالت و کارشناسی رسمی دادگستری، از مصادیق شغل دولتی و مشاغل مذکور در اصل ۱۴۱ ق.ا.ج.ا. نیستند تا مشمول منع موضوع قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل مصوّب ۱۳۷۳ شوند و در ق.و.و مصوّب ۱۳۱۵ (با اصلاحات بعدی آن) و ق.ک.ر.د. مصوّب ۱۳۸۱ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۸۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ا. مصوّب ۱۳۹۷ (با

فصل دوم:

از قانون مدرسه



تعریف

قانونی «عقد

وکالت»

ماده ۶۵۶- «وکالت» عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌نماید.

چنین رابطه وکالت نام دارد. (یوسفزاده، مرتضی، آیین دادرسی

مدنی، چ ۱، ص ۱۷۵)

■ بدین اعتبار، وکالت شامل اعمال حقوقی انجام شده توسط وکیل به حساب موکل می‌باشد. بدین ترتیب، «عقد وکالت» با «قرارداد کار» (سپردن انجام کار از سوی کارفرما به کارگر یا از سوی موکل به وکیل) می‌تواند نوعی اشتراک مفهومی داشته باشد. با وجود این، وجوه اختلاف این دو عقد را نمی‌توان نادیده گرفت:

۱- قرارداد کار، عقد لازم و وکالت، عقدی جایز است؛ بدین معنی که قرارداد کار با قصد و رضای طرفین، لازم‌الاجراء می‌شود، درحالی که در عقد وکالت، وکیل بدون الزام، اجازه انجام امر مورد وکالت را دارد و می‌تواند پذیرای اجرای آن نباشد.

۲- در قرارداد کار، پرداخت مزد، الزامی است، درحالی که انجام وکالت ممکن است بدون حق‌الوکاله و مجانی باشد.

۳- لازمه قرارداد کار، تبعیت حقوقی کارگر از کارفرما می‌باشد، درحالی که

■ در این تعریف، موضوع وکالت «انجام امری» یادشده است ولی هر امری نمی‌تواند موضوع وکالت باشد. وکالت تنها در اعمال حقوقی (و نه در اعمال مادی) واگذار می‌شود؛ بنابراین تعریف کاملتری از عقد وکالت چنین است: «وکالت، قراردادی است که به موجب آن، یک شخص که موکل نامیده می‌شود، به شخص دیگری که وکیل نامیده می‌شود، اختیار می‌دهد و شخص اخیر می‌پذیرد که یک یا چند عمل حقوقی را به نام و به حساب موکل انجام دهد.» (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، ص ۱۸۲)

■ اعمالی که توسط وکیل انجام می‌گیرد، در حکم اعمالی است که خود موکل انجام داده است. مثلاً، شما قصد دارید خانه‌ای بخرید، باغی بفروشید، قراردادی ببندید، یا ده‌ها کار حقوقی دیگر انجام دهید ولی به علت نداشتن وقت کافی، و یا هر علت دیگر، خودتان شخصاً نمی‌خواهید دخالت کنید. پس با شخص دیگری توافق می‌کنید که او، به عنوان وکیل، کار مورد نظر را برای شما انجام دهد.

■ مشاغل عمومی مانند کارمندی دولت یا در حکم مشاغل عمومی مانند وکالت دادگستری و نیز اموال و مشترکات عمومی و اموال در انحصار دولت نمی‌تواند مورد معامله قرار بگیرد (ر.ک به: صفایی، سید حسین، قواعد عمومی قراردادها، صص ۱۳۱-۱۳۰) و گرنه قرارداد باطل است؛ بنابراین قانون‌گذار قراردادهایی را که مورد آن نامشروع است، هیچ‌وقت مباح نمی‌کند تا برخی بتوانند در پوشش قراردادها نظم عمومی را بشکنند و بر خلاف اخلاق حسنه گام بردارند. (قاسم‌زاده، سید مرتضی، اصول قراردادها و تعهدات، چ ۱۲، ص ۱۲۰)

■ رأی وحدت رویه شماره ۱۰۰-۱۳۶۶/۱۱/۲۳ (کلاسه پرونده: ۶۶/۹۰)

ه.ع.د.ع.ا:

دستورالعمل شماره ۵۵-۱۹۹/۱۰۲/۱۰۴۴۷ مورخ ۱۳۶۶/۰۶/۱۸ گمرک ایران مبنی بر عدم قبول وکالت کارمندان بازنشسته گمرک در کمیسیونهای دوگانه رسیدگی به اختلافات گمرکی و تجدیدنظر از جهت حصر و قیود مندرج در آن مخالف مقررات ق.م در باب وکالت تشخیص داده و از این جهت، ابطال مخالف مقررات ق.م در باب وکالت تشخیص داده و از این

وکیل در انجام مورد وکالت، دارای استقلال و ابتکار عمل می‌باشد.

۴- در صورت ورود خسارت در انجام قرارداد کار، مسؤولیت، متوجه کارفرماست، اما جبران خسارت حاصله از تقصیر وکیل، متوجه موکل نمی‌شود. (هاشمی، سید محمد، حقوق کار، چ ۱، ش ۱۶۷، صص ۱۱۰-۱۰۹)

■ اگرچه با توجه به این ماده به نظر می‌رسد که تفویض وکالت اختیاری است که هر شخصی، تحت شرایط مقرر دارا می‌باشد اما ق.ا، انتخاب وکیل را به عنوان حق طرفین دعوا در همه دادگاه‌ها، مورد تأیید قرار داده است. (شمس، عبدالله، دوره پیشرفته آیین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱۷، ص ۲۹۱)

■ عقد وکالت به منظور راهگشایی و رفع نیازها تشریح شده است، پس باید آن را در زمره عقود آورد که مبتنی بر مسامحه است نه معامله. (ر.ک به: محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۴۹۰) به همین جهت، معلوم بودن موضوع وکالت به طور کامل ضرورت ندارد و از امور خاصی است که علم إجمالي به موضوع عقد برای نفوذ آن کفایت می‌کند. (کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، چ ۲، ش ۸۸، ص ۱۵۵)

کسانی که تعویض پلاک به نام آنها انجام شده تنها پس از ثبت سند رسمی انتقال می‌توانند به‌عنوان مالک، برای تعویض مجدد پلاک و انتقال مالکیت خودرو به شخص دیگری وکالت دهند، مغایر قوانین یادشده است و از آن حیث که محدودیتی برای توکیل به غیر مقرر کرده مخالف حقوق مدنی اشخاص است و بندهای مذکور مستند به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

■ رأی شماره ۸۰۸-۸۰۹ مورخه ۱۳۹۵/۱۰/۱۴ (پرونده کلاسه: ۹۱/۷۰۰ و ۹۱/۹۷۸) ه.ع.د.ع.ا.: الف-۱- نظر به اینکه در خصوص ادعای خلاف شرع بودن بندهای ۱ و ۳ بخشنامه شماره ۲۹۸۸/۴۱۰-۱۳۷۰/۱۰/۰۵ سازمان اوقاف و امور خیریه، قائم‌مقام دبیر شورای نگهبان به‌موجب نامه شماره ۵۱۶۵۳/۳۰/۹۲-۱۳۹۲/۰۶/۱۰ نظر فقهای محترم شورای نگهبان را به این شرح اعلام کرده است «داشتن حق امضاء مشترک اداره اوقاف با متولی خاص علی‌الغرض نوعی دخالت در وظیفه متولی شرعی است و نظارت تلقی نمی‌گردد؛ بنابراین این نوع دخالت خلاف موازین شرع شناخته شد و

جهت ابطال می‌گردد. (به نقل از: روزنامه رسمی شماره ۱۳۱۴۳-۱۳۶۹/۰۱/۳۰)

■ رأی شماره ۱۳۹۹/۱۲/۰۲-۱۸۶۳ (شماره پرونده: ۹۸۰۴۱۸۵) ه.ع.د.ع.ا.: اولاً: قانون‌گذار در مواد ۴۶ و ۴۷ ق.ت. مصوب سال ۱۳۱۰ موارد ثبت اجباری معاملات را ذکر کرده است و سایر موارد از جمله ثبت معاملات راجع به اموال منقول اجباری بوده و الزامی برای مراجعه به دفاتر اسناد رسمی وجود ندارد.

ثانیاً: مطابق قانون اصلاح ماده ۲۲ قانون حمل و نقل و عبور کالاهای خارجی از قلمرو ج.ا. مصوب سال ۱۳۸۸، مسؤلیت صدور گواهینامه رانندگی، اسناد مالکیت و پلاک خودرو در قلمرو ج.ا. برعهده نیروی انتظامی ج.ا. است. ثالثاً: انعقاد عقد وکالت و حق توکیل به غیر، از جمله حقوقی است که قانون‌گذار در ماده ۶۵۶ ق.م. و مواد بعد به آن تصریح کرده است، بنابراین بند دوم بخشنامه مورد شکایت، که متضمن تکلیف دفاتر اسناد رسمی به خودداری از درج اختیار تفویض وکالت در وکالت‌های تعویض پلاک و وکالت‌نامه‌های فروش خودرو است، همچنین بند سوم بخشنامه یادشده مبنی بر اینکه

مذکور مطابق تبصره ماده ۲۴ اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر مقرر کرده است که: «افتتاح حساب بانکی به نام موقوفات و اماکن متبرکه با معرفی اداره اوقاف و امور خیریه در یکی از بانکها الزامی است و عملیات مالی باید در سامانه مربوط ثبت گردد. در مورد موقوفات و اماکنی که از طرف سازمان برای آنها امین یا امنایی منصوب شده است، حساب مذکور با امضای مشترک امین و یا امنا و رئیس اداره اوقاف و امور خیریه محل خواهد بود.» بند (الف) بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۰۳/۱۷-۲۳۳۸۳۲/۹۱ سازمان اوقاف و امور خیریه که افتتاح حساب مورد نظر را صرفاً در مؤسسه قرض الحسنه راسخون اجازه داده است در صورتی که حکم مقرر در ماده ۲۴ اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر افتتاح حساب را در یکی از بانکها الزامی اعلام کرده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه تشخیص می شود و به استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می شود.

ب-۲- نظر به اینکه مطابق ماده ۶۵۶ ق.م. وکالت عقدی از عقود محسوب می شود و مطابق ماده ۱۹۱ از همان

بالتجیه التزام مندرج در دستورالعمل شماره ۱۳۹۱/۰۳/۱۷-۲۳۳۸۳۲/۹۱ نیز منتفی خواهد شد.» بنابراین در اجرای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ و مستند به مواد ۱۳ و ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا بندهای ۱ و ۳ بخشنامه شماره ۲۹۸۸/۴۱۰-۱۳۷۰/۱۱/۰۵ سازمان اوقاف و امور خیریه از تاریخ تصویب ابطال می شود.

الف-۲- نظر به اینکه به موجب نامه شماره ۱۳۹۲/۰۶/۱۰-۵۱۶۵۶/۳۰/۹۲ قائم مقام دبیر شورای نگهبان، فقهای محترم شورای نگهبان بندهای (الف) و (ب) بخشنامه شماره ۲۳۳۸۳۲/۹۱-۱۳۹۱/۰۳/۱۷ سازمان اوقاف و امور خیریه را خلاف شرع تشخیص نداده اند؛ بنابراین موجبی برای ابطال بندهای (الف) و (ب) بخشنامه شماره ۱۳۹۱/۰۳/۱۷-۲۳۳۸۳۲/۹۱ از نظر شرعی در اجرای تبصره ۲ ماده ۸۴ و ماده ۸۷ ق.ت.و.ا.د.ع.ا مصوب ۱۳۹۲ وجود ندارد.

ب-۱- به موجب ماده ۱۷ ق.ت.و.ا.س.ح.و.ا.و.ا.خ مصوب ۱۳۶۳، آیین نامه های اجرایی قانون یادشده و کیفیت تحقیق به پیشنهاد سازمان اوقاف و امور خیریه و تصویب هیأت وزیران محول شده است. نظر به اینکه هیأت وزیران در راستای اجازه قانونی

اداره اجرایی سپرده است و درحقیقت موضوع مقررّه مورد اعتراض تعیین ضابطه اجرت انجام وکالت است که مطابق مواد ۶۷۷ و ۶۷۶، ۶۵۹ ق.م.اخذ اجرت در انجام موضوع وکالت تجویز شده است؛ بنابراین مغایر قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع تصویب تشخیص نشد. (به نقل از: ویژه‌نامه شماره ۹۳۲-۱۱/۱۶/۱۳۹۵ روزنامه رسمی)

■ رأی شماره ۲۳۹-۱۳۹۳/۰۳/۰۵ (کلاس پرونده: ۱۳۹۳/۹۱ ه.ع.د.ع.ا): مطابق ماده ۶۵۶ ق.م. وکالت، عقدی است که به موجب آن یکی از طرفین، طرف دیگر را برای انجام امری نایب خود می‌کند. نظر به اینکه سازمان تأمین اجتماعی، سازمان خصوصی‌سازی را به‌عنوان وکیل خود تعیین نکرده است ولی هیأت وزیران در بند ۶ مصوّبه شماره ۴۴۳۰/۱۲۶۱۹۲۲

خارج از حدود اختیارات خود، سازمان خصوصی‌سازی را مجاز اعلام کرده است که رأساً و به وکالت از سازمان تأمین اجتماعی اقداماتی در راستای مصوّبه معمول کند، وکالت مذکور به‌لحاظ عدم استنباه از سوی سازمان تأمین اجتماعی محقق نمی‌شود؛ بنابراین بند ۶ مصوّبه مورد شکایت

قانون عقد محقق می‌شود به قصد انشاء به شرط مقرون بودن به چیزی که دلالت بر قصد کند؛ بنابراین وقتی عقد وکالت با قصد طرفین برای مدت معین منعقد می‌شود با مضي زمان عقد مذکور، موجبی برای بقای عقد وکالت وجود نخواهد داشت و چون عدم مراجعه موکل به وکیل برای تمدید عقد وکالت، قرینه بر قصد انشاء عقد نیست، حکم مقرر در شق (ب) بند ۱ قسمت (ب) بخشنامه مورد شکایت، مبنی بر تمدید قهری عقد وکالت در فرض عدم مراجعه موکل به وکیل برای تمدید به جهت اینکه قصد انشاء عقد وکالت در این فرض وجود ندارد و با توجه به اینکه تجویز چنین حکمی از شئون مقنن است و در حدود اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه قرار ندارد، با استناد به بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا. مصوّب ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

ج- نظر به اینکه حکم مقرر در بند ۲ قسمت (ب) بخشنامه مورد شکایت، ناظر بر اخذ مبلغ مازاد بر حق‌النظاره موضوع ماده ۳۳ آیین‌نامه اجرایی ق.ت.و.ا.س.ح.و.ا.و.ا.خ نیست بلکه در مقام تجویز اخذ حق‌الزحمه اداره اجرایی در انجام اموری است که متولی موقوفه اجرای آنها را به وکالت برعهده

ماده ۱۵ به شرح مقرر در ماده ۱۶ قانون فوق‌الذکر تبیین شده است. نظر به اینکه حکم مقنن مفید تفویض وظایف و مسؤولیت‌های فوق‌الذکر به هر یک از نمایندگان مذکور و لزوم مشارکت آنان در انجام وظایف محوله و قائم به هر یک از اعضای مذکور می‌باشد و تکالیف و اختیارات مربوط به امور عمومی جز در موارد مصرح در قانون قابل واگذاری و توکیل به غیر نیست؛ بنابراین بند ۸/۱ آیین‌نامه تشکیل و نحوه فعالیت هیأت‌های نمایندگان اتاق ایران و اتاق شهرستان مصوب ۱۳۸۱/۹/۳ شورای عالی نظارت بر اتاق ایران که مفهم واگذاری مسؤولیت‌های هر نماینده به دو نماینده دیگر است و به این ترتیب موجبات تشکیل اتاق‌های مزبور را با شرکت یک سوم اعضاء قانونی فراهم می‌سازد خلاف هدف و حکم مقنن و خارج از حدود اختیارات قوه مجریه در وضع مقررات دولتی تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ ق.د.ع.ا. ابطال می‌گردد.

■ رأی شماره ۷۵-۷۴ مورخه ۱۳۶۷/۰۹/۲۰ (کلاس پرونده: ۷۵/۶۵ و ۷۸/۶۵) ق.د.ع.ا.:

مطابق ماده ۳۰ ق.د.ا.ر. مصوب بعدی آیین‌نامه‌ها با رعایت تبصره ۲

به‌لحاظ مغایرت با قانون و خارج بودن از حدود اختیارات هیأت وزیران به‌استناد بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۸۸ ق.ت.و.ا.د.ع.ا. مصوب سال ۱۳۹۲ ابطال می‌شود.

■ رأی شماره ۲۹۹-۱۵/۰۵/۱۳۸۵ (کلاس پرونده: ۸۲/۴۵۹) ه.ع.د.ع.ا.:

مطابق ماده ۱۲ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ج.ا. تعداد نمایندگان اتاق تهران ۶۰ نفر و طبق ماده ۱۳ همان قانون تعداد اعضای اتاق شهرستانها ۱۵ نفر می‌باشند، که به ترتیب مقرر در قانون به مدت چهار سال انتخاب می‌شوند و حدود وظایف و اختیارات آنان در زمینه انتخاب اعضای هیأت رئیسه، بررسی و تصویب بودجه اتاق و تفریغ بودجه، بررسی و اظهار نظر نسبت به گزارشات و پیشنهادات کمیسیونها و سایر واحدهای اتاق و اتخاذ تصمیم نسبت به آنها در محدوده اختیارات محوله، تشکیل کمیسیونهای مشورتی به تعداد مورد نیاز و نیز انتخاب اعضای آنها از بین خود، تهیه و پیشنهاد آیین‌نامه‌های اجرایی قانون به شورای عالی نظارت جهت اتخاذ تصمیم حداکثر به مدت دو ماه پس از تشکیل اتاق ایران و نیز پیشنهاد اصلاحات بعدی آیین‌نامه‌ها با رعایت تبصره ۲

انجام‌پذیر است، در سایر موارد، اشخاص اختیار توکیل دارند و بدون نص قانونی نمی‌توان اشخاص را از حقوق مذکور محروم یا اختیار آنان را محدود کرد. بنا به مراتب مزبور، چنانچه در تنظیم وکالت‌نامه‌های خارج از کشور مقررات و شرایط قانونی رعایت شده باشد، در اعتبار و لزوم پذیرش آن هیچ تردید یا شک و شبهه‌ای وجود ندارد و عدم پذیرش آن خلاف قانون است.

■ نظریه مشورتی شماره ۷/۱۱۳۰۳-
۱۳۷۹/۱۱/۳۰.ح.ق.ق:

تشخیص اینکه شرط ضمن عقد باطل است یا خیر و اینکه وکیل در انجام مورد وکالت از حدود اختیارات خود تجاوز نموده یا نه و این تجاوز باعث بطلان عمل حقوقی است یا صرفاً برای وکیل مسؤلیت مدنی ایجاد می‌نماید، از امور موضوعی است که حسب مورد دادگاه صلاحیتدار باید موضوع را بررسی و در خصوص آن اتخاذ تصمیم نماید.

تفویض وکالت از جانب شخص حقوقی مستلزم رعایت مقررات ویژه حاکم بر شخص حقوقی است.

موظفند نسبت به تنظیم و ثبت اسناد مراجعین اقدام نمایند. مگر آنکه مفاد و مدلول سند مخالف با قوانین و مقررات موضوعه و نظر عمومی یا اخلاق حسنه باشد که در این صورت، باید علت امتناع را کتباً به تقاضاکننده اعلام نمایند.» نظر به اینکه انعقاد عقد وکالت به‌منظور انجام معاملات و قراردادهای در حدود مقررات فصل سیزدهم ق.م. در «مبحث وکالت» مخالفتی با قوانین و مقررات موضوعه و نظم عمومی و اخلاق حسنه ندارد، لذا بند ۷۷ بخشنامه‌های ثبتی که متضمن منع سردفتر اسناد رسمی از ثبت وکالت‌نامه‌ای که مدلولاً انتقال ملک غیرمنقول یا وسائط نقلیه به وکیل یا شخیص ثالث یا متضمن معاوضه ملک یا اعیانی تلقی شود مغایر ماده ۳۰ فوق‌الذکر تشخیص داده می‌شود و ابطال می‌گردد.

■ نظریه مشورتی شماره ۷/۵۰۴۹-
۱۳۸۰/۵/۳۰.ح.ق.ق:

انتخاب وکیل، از حقوق شرعی و قانونی افراد است و در قوانین مختلف ج.ا.ا، این حق برای عموم مردم شناخته شده است و به‌استثنای اموری که منحصرأ با مباشرت خود افراد

است که وکالت با قبول فعلی محقق می‌شود یا نه و حال اینکه در باب وصیت، چنین مسأله‌ای مطرح نیست و قبول فعلی موصی‌له امری است مفروع عنه. علاوه بر این، عقد بودن وکالت محل اختلاف نیست ولی عقد بودن وصیت تملیکی محل اختلاف است. (جعفری لنگرودی، محمدجعفر، فلسفه حقوق مدنی، ج ۱، چ ۲، ص ۱۶۶)

■ ماده ۶۵۷ ق.م. موکل را ملزم کرده است همه هزینه‌هایی را که وکیل برای انجام وکالت خود نموده است پرداخت کند. در یک تفسیر منطقی می‌توان پیش پرداخت‌های وکیل را هم از نمونه‌های هزینه‌ها بر شمرد و موکل ناگزیر از پرداخت آن به وکیل دانست؛ زیرا این پرداخت‌ها لازمه انجام موضوع وکالت هستند و موکل بر پایه ماده ۶۷۱ وکالت ضمنی به وکیل درباره آنها داده است. ولی ماده ۱۹۹۹ ق.م فرانسه به تعهد موکل به پرداخت پیش پرداخت‌ها و هزینه‌ها جداگانه تصریح کرده است که درست‌تر می‌باشد. ماده ۲۰۰۱ ق.م فرانسه نیز وکیل را شایسته دریافت بهره در زمینه پیش‌پرداخت‌هایی که از سوی موکل پرداخت کرده است دانسته و آغاز روند

■ قبول مقبول وکیل موضوع این ماده بنا بر اطلاق آن می‌تواند صریح یا ضمنی باشد.

■ در باب قبول وکالت، اصلاً قبول، به معنی شرط ترتب اثر عقد نیست (ماده ۶۵۷ ق.م) اما در وصیت تملیکی، قبول به معنی شرط ترتب اثر ایجاب موصی است (ماده ۸۲۷ ق.م) آن که این دو را در یک رشته به نخ کشیده است در واقع مرتکب قیاس مع الفارق شده است: واژه «تحقق» را که خواسته است به کمک اشباه و نظائر، معنی کند در نیافته است: در باب وکالت مسأله به این صورت مطرح شده است (مناهج، ص ۳۱۵، سطر ۱۱) که قبول فعلی وکیل بدون اینکه مقرون به رضای او به ایجاب موکل باشد موجب تحقق عقد می‌شود، بلکه آن چنان فعلی فقط مطابق است با اذن صرف موکل که از ایجاب او فهمیده می‌شود، و حال آنکه اذن، اعم از وکالت است. یعنی هر اذنی مصداق وکالت نیست. اما در باب وصیت تملیکی در فقه (نجفی، محمدحسین، جواهرالکلام، ج ۴، ص ۳۱/۶۵۰ به بعد) گفته‌اند که قبول فعلی موصی‌له هم کافی است که او را مالک موصی‌به گرداند. پس در باب وکالت (در ماده ۶۵۷) مسأله این

حسب تصریح قانون گذار در مواد ۶۵۶ و ۶۵۷ ق.م. وکالت عقد است و تحقق آن منوط به قبول وکیل است؛ بنابراین در فرض سؤال که به موجب سند رسمی وکالت داده شده است، موکل به تنهایی و بدون قبول وکیل نمی تواند اختیارات وی را محدود به نظارت یا دخالت شخص دیگری نماید و با عنایت به ماده ۶۵۸ قانون یادشده، ضم وکیل دوم که به معنای محدود کردن اختیارات وکیل اول است، مادام که مورد قبول لفظی یا فعلی وکیل اول قرار نگرفته باشد، قابل ترتیب اثر نیست.

بهره را هنگامی دانسته که پرداخت این وجوه احراز شده است. رویه قضایی فرانسه نیز مدیر ترکه را در مورد مبالغی که به حساب ترکه پرداخت کرده از همین امتیاز برخوردار دانسته است. وکیل باید دلیل کتبی برای هزینه های انجام شده و پیش پرداخت های خود به موکل بدهد مگر آنکه عرفاً در پاره ای از موارد وکیل را از دادن چنین دلیلی معاف بدانیم. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، صص ۲۳۱-۲۳۲) ■ نظریه مشورتی شماره ۷/۹۸/۲۰۹-۰۹/۰۵/۱۳۹۸.ح.ق.:

ماده ۶۵۸- وکالت ایجاباً و قبلاً به هر لفظ یا فعلی که دلالت بر آن کند، واقع می شود.

ماده وقوع
وکالت

■ امکان وقوع وکالت به نحو معاطاتی نیز میسور است.

ماده ۶۵۹- وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت.

وکالت
مجانی و یا
باجرت

حق الزحمه آنها را نیز تعیین کرده و مورد حکم قرار دهد. (رای شماره ۱۰/۳۴۶-۱۳۲۰/۱۰/۳۰- ششعبه ۴ دیوان عالی کشور) در صورتی که به دلالت وکالت نامه، وکالت مجانی باشد، چون از این بابت خسارتی به موکل وارد نشده، نمی تواند آن را از طرف دیگر مطالبه کند. (رای شماره ۱۷۴۰-

■ به دلایل مختلف، در وکالت دادگستری، اصل بر عدم تبرع است؛ بنابراین، به وکیل دادگستری، حق الوکاله تعلق می گیرد. مگر اینکه مجانی بودن وکالت اثبات گردد؛ بنابراین، در صورت مطالبه حق الوکاله از طرف وکیل، دادگاه باید ضمن توصیف اعمالی که وکیل انجام داده،

وکالت در دادگستری وجود ندارد. در صورتی که وکیل در حدود اختیاراتی که دارد، با طرف مقابل سازش کند، اصولاً مستحق تمام حق‌الوکاله می‌شود؛ زیرا موضوع عقد وکالت اجراء شده است. (رأی اصراری شماره ۶۲۷-۱۳۴۵/۴/۲۲ ه.ع.د.ع.ک) توافق بر خلاف این امر میان وکیل و موکل ممنوع نمی‌باشد. (افتخارچهرمی، گودرز؛ السان، مصطفی؛ آیین دادرسی مدنی، ج ۱، ص ۱، صص ۲۰۲-۲۰۱)

۱۳۲۹/۱۱/۵ شعبه ۴ دیوان عالی (کشور) همچنین، مجانی بودن عقد وکالت مانع از اجرای ماده ۷۲ قانون مالیاتهای مستقیم و تعلق مالیات و سهم کانون به عقد وکالت منعقد می‌باشد. از پیش شرط تعلق مالیات و سهم کانون به قرارداد وکیل، آن است که در قرارداد حق‌الوکاله تعیین شده باشد. (برای دیدن نظر مخالف ر.ک به: نظریه مشورتی شماره ۷/۵۸۱۸-۱۳۶۱/۱۱/۲۱ ا.ج.د) بعلاوه با توجه به اطلاق ماده ۶۵۹ ق.م. که مقرر می‌دارد: «وکالت ممکن است مجانی باشد یا با اجرت» مانعی برای مجانی بودن

وکالت مطلق
و یا مقید

ماده ۶۶۰- وکالت ممکن است به‌طور مطلق و برای تمام امور موکل باشد یا مقید و برای امر یا امور خاصی.

در مورد تردید، «اصل عدم ولایت» اوست. (کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، ص ۸۸، صص ۱۵۷) ■ مواد ۶۶۰ و ۶۶۱ ق.م. از مواد ۱۹۸۷ و ۱۹۸۸ ق.م. فرانسه و یا از ماده ۵۱۵ ق.م. سابق مصر مصوّب ۲۸ اکتبر ۱۸۸۳ گرفته شده‌اند. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، ج ۱، پاورقی صص ۲۱۲) البته به اعتقاد ما احتمال اخذ مادتين مزبور از ق.م. مصر، بعيد به نظر می‌رسد.

■ برای حمایت از موکل در برابر اختیار نامحدود وکیل، باید وکالت را تفسیر محدود کرد. نتیجه تفسیر محدود این است که، در هر جا نسبت به اختیار وکیل تردید شود، اصل عدم اختیار است و وکیل باید شمول وکالت را بر آن اثبات کند. این اصل نیز ناشی از قاعده عام‌تری است که به‌موجب آن هیچ‌کس بر دیگری ولایت و سلطه ندارد. نیابت داشتن نوعی سلطه و ولایت است که وکیل بر موکل پیدا می‌کند و جنبه استثنایی دارد. پس،



حق دارد در کلیّه امور موکل اقدام کند و نیز این تقیید خلاف شرع است.

لذا با توجه به موارد یادشده تقاضای ابطال بندهای (الف)، (پ) و (ت) از ماده ۷ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوّب ۱۳۷۹ را به علّت خلاف قانون و خلاف شرع بودن دارد.

دبیر محترم شورای نگهبان در خصوص ادعای شاکی مبنی بر خلاف شرع بودن بندهای (الف)، (پ) و (ت) ماده ۷ آیین دادرسی دیوان طی نامه شماره ۳۰/۱۸۶۹ مورخ ۱۳۸۱/۸/۲۵ اعلام داشته‌اند، موضوع بندهای (الف)، (پ)، (ت) ماده ۷ آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در جلسه فقهاء محترم شورای نگهبان مطرح شد که مغایر با موازین شرع شناخته نشد.

ه.ع.د.ع.ا در تاریخ فوق به ریاست حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤسا و مستشاران شعب تجدیدنظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی ه.ع.د.ع.ا:

اولاً، بندهای (الف)، (پ) و (ت) ماده ۷ آیین دادرسی دیوان به شرح نظریه شماره ۸۱/۳۰/۱۸۶۹ مورخ

■ رأی شماره ۲۶-۱۳۸۲/۰۱/۳۱-۱۳۸۲/۰۱/۳۱ (کلاس پرونده: ۱۲۵/۸۱) ه.ع.د.ع.ا: مقدمه:

شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، به‌استناد اصل ۱۷۳ ق.ا، آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مندرج در روزنامه رسمی در مواردی خلاف قانون و شرع است.

۱- مقید کردن شاکی در بند (الف) ماده ۷ به اینکه وکیلش باید دارای وکالت‌نامه رسمی باشد خلاف ق.د.ع.ا و شرع است؛ زیرا در ماده ۱۲ این قانون هیچ‌گونه قیدی مبنی بر وکالت‌نامه رسمی نشده است.

۲- در بند (پ) نیز مقید کردن وکالت‌نامه به گواهی مأمورین کنسولی نیز خلاف اطلاق ماده ۱۲ ق.د.ع.ا است. این مورد موجب تضییع حقوق افرادی می‌شود که در محلهایی زندگی می‌کنند که دولت ایران در آنها کنسولگری ندارد یا با ایران رابطه سیاسی ندارند. لذا خلاف شرع هم تلقی می‌شود.

۳- در بند (ت) مقید کردن اینکه باید وکالت در دیوان یا مراجع قضایی تصریح شود بر خلاف مقررات موضوع خصوصاً ماده ۶۶۰ ق.م است چرا که چنانچه وکالت به‌طور مطلق و برای کلیّه امور موکل نیز داده شود وکیل

■ نظریه‌های مشورتی شماره ۱۳۹۹/۰۶/۱۷-۷/۹۹/۵۴۳ و ۱۳۹۸/۰۹/۰۳-۷/۹۸/۷۹۱ ا.ح.ق.ق:

با عنایت به قوانین موضوعه و از جمله ماده ۶۶۰ ق.م. اصل بر این است که اطلاق اختیارات وکیل شامل تمام امور و اموال موکل در هر اوضاع و زمان می‌شود؛ مگر آنکه قرینه‌ای برخلاف آن وجود داشته باشد.

■ نظریه مشورتی شماره ۱۳۹۶/۰۷/۲۶-۷/۹۶/۱۷۲۱ ا.ح.ق.ق:

اعطای وکالت مطلق در طلاق از ناحیه زوج به زوجه، ولو به صورت شرط ضمن عقد با توجه به مواد ۶۵۶، ۶۶۰ و ۶۶۲ ق.م. بلامانع است.

در جلد سوم تحریرالوسیله امام خمینی (ره) در کتاب طلاق مبحث صیغه طلاق، مسأله ۴ نیز بیان شده که برای شوهر جایز است که زوجه را برای طلاقش وکیل نماید؛ بنابراین، شوهر می‌تواند زن را ولو به صورت مطلق، وکیل در طلاق قرار دهد.

۱۳۸۱/۸/۲۵ فقهای محترم شورای نگهبان مغایر با موازین شرع شناخته نشده است؛ بنابراین موردی برای ابطال آنها در اجرای قسمت اول ماده ۲۵ ق.د.ع.ا وجود ندارد.

ثانیاً، با عنایت به ماده ۲۵ ق.د.ع.ا مبنی بر تفویض صلاحیت تهیه و تنظیم آیین‌نامه‌های اجرایی قانون به هیأت عمومی دیوان و مسؤولیت و تصویب آیین‌نامه‌های مزبور به ریاست قوه قضائیه و اینکه مقررات مورد اعتراض با توجه به قواعد آمره و احکام مقنن تنظیم و تصویب شده است؛ بنابراین مغایرتی با قانون ندارد.

■ رأی اصراری شماره ۱۷۰-۱۳۴۸/۰۴/۰۴:

چنانچه اختیارات وکیل، مطلق بوده و شامل تأدیه دیون موکل نیز باشد، در این صورت، طرح دعوا علیه وکیل بلامانع است.

ماده ۶۶۱- در صورتی که وکالت مطلق باشد، فقط مربوط به اداره کردن اموال موکل خواهد بود.

محدوده قلمرو وکالت مطلق در

اداره کردن اموال موکل

مفهوم مخالف ماده ۶۶۱ برداشت می‌شود؛ بنابراین در تعریف وکالت ویژه یا صریح می‌توان گفت وکالتی است که در آن طبیعت اعمالی که وکیل

■ اموری که از چهارچوب اداره اموال موکل بیرون هستند چون انتقال مال یا رهن گزاردن آن نیازمند یک وکالت صریح یا ویژه هستند و این نتیجه از

می‌تواند انجام دهد، به گونه روشن پیش‌بینی شده باشد. (کاشانی، سید

محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، صص ۲۱۳-۲۱۲)

■ ر.ک به: ماده ۱۰۷۲ ق.م.

اهلیت وکیل

ماده ۶۶۲- وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را بجا آورد وکیل هم باید کسی باشد که برای انجام آن امر اهلیت داشته باشد.

■ ماده ۶۶۲ از این عبارت علامه در تذکره (علامه، تذکره، ج ۲، وکالت) اقتباس شده است که می‌نویسد «کما یشرط فی الموکل التمكن من مباشرة تصرف الموکل بنفسه یشرط فی الوکیل التمكن من مباشر ته لنفسه و ذلک به آن یكون صحیح العباره». اقتباس شده است. (کاتوزیان، ناصر، دوره عقود معین، ج ۴، چ ۲، پاورقی ش ۸۳، ص ۱۴۶)

■ ممنوع قانونی در عالم حقوق مانند محال عادی در عالم مادی و محل عقلی در عالم عقل است. (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۸، ص ۲۹۷)

■ امری که موکل خود حق انجام آن را ندارد نمی‌تواند نمایندگی به دیگری دهد که به جای او به جای آورد؛ زیرا معطی شیء باید واجد آن باشد. (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۸، ص ۲۹۷)

■ سفیه می‌تواند برای انجام امور غیرمالی، مانند طلاق، به دیگری وکالت دهد و صغیر ممیز برای قبول هبه و صلح بدون عوض کسی را وکیل خود سازد. ولی مجنون و صغیر غیر ممیز، چون اهلیت انجام هیچ عمل ارادی را ندارد، هیچ‌گاه می‌تواند طرف عقد وکالت قرار گیرد. (کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، چ ۲، ش ۸۲، ص ۱۴۲)

■ اهلیت موکل در زمانی که نیابت داده می‌شود ضرورت دارد، ولی پس از آن تاریخ نیز، هرگاه عارضه‌ای، اهلیت لازم برای انجام عمل حقوقی مورد وکالت را از موکل سلب کند، عقد را منحل می‌سازد. (کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، چ ۲، ش ۸۲، ص ۱۴۳)

■ با بررسی ماده ۵۱ ق.ت، موکل در شرکت تضامنی، «شرکاء» می‌باشد، ولی این امر با توجه به حدود اختیاراتی که مدیران در شرکت تضامنی دارای آن بوده و شرکاء فاقد

که مسؤولیت مدنی مدیران در مقابل شرکت از مقررات عقد وکالت پیروی می‌نماید و مسؤولیت مدنی مدیر در مقابل شرکاء تابع اصول کلی حقوق مدنی که در باب تسبیب و ق.م.م پیش‌بینی شده است می‌باشد بلاخص در مواردی که قلمرو اختیارات مدیران در اساسنامه تعیین شده است. (عرفانی، محمود، حقوق شرکت‌های تجاری، چ ۱، ص ۱۹۵)

■ امر موضوع وکالت، یک عمل حقوقی است که به نام موکل انجام می‌شود؛ بنابراین وکالت و عمل حقوقی که وکیل آن را از سوی موکل منعقد می‌کند ارتباط تنگاتنگی دارند. همچنین اگر موکل تعهد پرداخت دستمزد وکیل را کرده باشد داشتن اهلیت برای درستی این تعهد ضرورت دارد. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، ص ۱۸۸)

■ در این ماده، اهلیت مطرح شده است که نمی‌توان آن را نمایندگی الکترونیکی تصور کرد؛ بنابراین، باید این اصل را در حقوق تأسیس نمود که «نمایندگی الکترونیکی مانند اشخاص حقیقی دارای اهلیت برای انعقاد و اجرای قرارداد و اقدام به آثار آن است.» در حالی که چنین اصلی به اطلاق خود در حقوق ایران قابل

آن هستند بر خلاف مفاد ماده ۶۶۲ ق.م که مقرر می‌دارد: «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد...» می‌باشد. و با فرض قبول وکالت مدیر در مقابل شرکاء موکلین، مدیران در قبال شرکت علی‌رغم داشتن اختیارات فاقد مسؤولیت خواهند بود که این امر بر خلاف برهان عقلی و اصول پذیرفته‌شده در حقوق شرکت‌ها (ملازمه اختیارات با مسؤولیت) و روح ماده ۱۲۱ ق.ت خواهد بود.

لذا به نظر می‌رسد که منظور قانون‌گذار از موکل در ماده ۱۲۱ ق.ت شرکاء نبوده بلکه شرکت می‌باشد و مدیر شرکت تضامنی که از طرف شرکاء انتخاب می‌گردد نماینده شخص حقوقی شرکت محسوب شده و اعمال حقوقی شرکت را به‌عنوان وکیل شرکت انجام داده و اتخاذ تصمیم می‌نماید، در مقابل اشخاص ثالث شرکت متعهد بوده و در صورت تخلف در اجرای تعهدات اشخاص اخیرالذکر می‌توانند علیه شرکت طرح دعوی نموده و عندالزوم تقاضای ورشکستگی شرکت را بنمایند. بدیهی است که شرکاء به طبع ورشکستگی شرکت ورشکسته محسوب نمی‌شوند؛ بنابراین با توجه به مطالب فوق نتیجه می‌گردد

شده است و بیشتر با قواعد وکالت مطابقت دارد. به موجب ماده ۶۶۲ ق.م: «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آن را به جا آورد...» در حالی که راه حل قانون گذار فرانسه که قاعده عادلانه تری است برای حفظ حقوق اشخاص ثالث وضع شده است اگر دارای حسن نیت باشند. (اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت (شرکتهای تجاری)، ج ۲، چ ۱۰، صص ۱۵۴-۱۵۲)

■ رأی شماره ۴۰۶-۱۳۸۸/۰۵/۱۱ (کلاس پرونده: ۷۳۳/۸۷) ه.ع.د.ا: علاوه بر اینکه مفاد ماده ۱۱ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ در خصوص لزوم تصدیق امضاء وکیل زوج یا زوجه در دفتر مخصوص ثبت واقعه ازدواج یا طلاق توسط کمیساریا و یا امین صلح و یا نایب الحکومه و یا یکی از دفاتر اسناد رسمی با توجه به تاریخ تصویب آن ناظر به وکالت اشخاص عادی بوده و منصرف از وکلای رسمی دادگستری است، اصولاً اعتبار وکالتنامه‌های وکلای دادگستری در مراجع قضایی نافی اعتبار آنها در مراجع غیر قضایی در حدود اختیارات قانونی مصرح در وکالتنامه آنان در اجرای احکام قطعی مراجع قضایی نیست و طبق ماده ۴۶

پذیرش نیست. (باقری اصل، حیدر، فسخ تجارت الکترونیکی در حقوق ایران، چ ۱، صص ۶۹-۷۰)

■ اقدامات و تصمیمات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که در حدود موضوع شرکت باشد (ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت. مصوب ۱۳۴۷) این قاعده با این منطبق است که مدیران نمی‌توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند. در فرانسه و کشورهای عضو بازار مشترک، از سال ۱۹۶۸ به این طرف، قاعده محدودیت اعتبار اقدامات مدیران حذف شده است. به موجب قاعده جدید - که برای حفظ حقوق اشخاص ثالث مقرر گردیده است - اقدامات مدیران در مقابل اشخاص ثالث، حتی اگر خارج از موضوع شرکت باشد معتبر است، مگر اینکه ثابت شود اشخاص ثالث از اینکه مدیران خارج از موضوع شرکت عمل می‌کنند مطلع بوده‌اند، یا با توجه به اوضاع و احوال خاص هر مورد، نمی‌توانسته‌اند بی‌اطلاع باشند.

Droit Commercial, Societe's
Commerciales;no.403.et
Traite'de Droit
Commercial;t.1,no. 1294.

راه حل قانون گذار ایران برای حفظ حقوق شرکت و شرکای شرکت مقرر

آیین‌نامه تشکیل و نحوه فعالیت هیأت‌های نمایندگان اتاق ایران و اتاق‌های شهرستان به شورای عالی نظارت و همچنین جواز تفویض وکالت به یکی از اعضاء شرکت‌کننده در انتخابات هیأت‌های نمایندگان اتاق ایران و اتاق‌های شهرستان از طرف حداکثر دو عضو دیگر به‌منظور انتخاب اعضای داوطلب نمایندگی در هیأت‌های مذکور مغایرتی با قانون ندارد و خارج از حدود اختیارات قانونی مربوط نیز نمی‌باشد.

■ نظریه مشورتی شماره ۷/۹۹/۱۸۷۶-۱۰/۱۲/۱۳۹۹.ح.ق.ق:
برابر ذیل ماده ۶۶۲ ق.م.تنها شرط لازم برای قبول وکالت از ناحیه وکیل اهلیت قانونی وی است و از سوی دیگر اصل بر آن است که تمامی اموری که توسط موکل قابلیت انجام دارد، قابل توکیل است؛ بنابراین ایجاد هرگونه محدودیت برای وکیل یا موکل باید مستند به قانون باشد و از آنجایی که محدودیت‌های مقرر برای وکالت در دادگستری امری استثنایی است و باید در حدود قدر متیقن اعمال و اجراء شود و در مقررات قانونی شرط خاصی برای وکیل در محاکم انتظامی کانون‌های وکلاء پیش‌بینی نشده است، لذا داشتن پروانه وکالت شرط

ق.ت، موارد ضرورت تنظیم و ثبت اسناد در دفاتر اسناد رسمی تبیین و احصاء شده است که از اختیارات مصرح در وکالت‌نامه وکلای دادگستری در زمره اسناد مزبور قرار ندارد؛ بنابراین عموم و اطلاق ردیف ۲۳ از مجموعه بخشنامه‌های سازمان ثبت اسناد و املاک کشور که مقرر داشته است: «با توجه به قوانین و مقررات موضوعه مجوزی برای تنظیم اسناد در دفاتر اسناد رسمی به‌استناد وکالت‌نامه‌هایی که توسط وکلای دادگستری تنظیم می‌شود، به نظر نمی‌رسد.» به‌لحاظ اینکه مفهوم الزام وکیل دادگستری به تنظیم سند رسمی در دفاتر اسناد رسمی در مورد ثبت واقعه ازدواج و طلاق در اجرای احکام مراجع قضائی، علی‌رغم تصریح اختیارات مذکور در وکالت‌نامه آنان است، خلاف قانون تشخیص داده می‌شود و مستنداً به قسمت دوم اصل ۱۷۰ ق.ا و ماده ۱ و بند ۱ ماده ۱۹ و ماده ۴۲ ق.د.ع.ا ابطال می‌گردد.

■ رأی شماره ۱۴۲۴-۱۳۸۶/۱۲/۰۵- (کلاس پرونده: ۹۴۶/۸۵، ۲۳۰/۸۶) ه.د.ع.ا:

با عنایت به بند (الف) ماده ۹ قانون اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ج.ا.ا موضوع تفویض اختیار تصویب

ماده مذکور از سوی محکوم‌علیه به‌عنوان یکی از مراحل دادرسی پیش‌بینی نشده است؛ بنابراین مانند حق تجدیدنظرخواهی یا حق فرجام خواهی نیست که قابل توکیل به غیر باشد، (ماده ۶۶۲ ق.م.) و به همین علت در آیین‌نامه [سابق] تعرفه حق‌الوکاله و هزینه سفر و کلاء دادگستری مصوب ۱۳۷۸/۴/۲۸ رئیس قوه قضائیه با اصلاحات بعدی، برای آن تعرفه‌ای نیز مقرر نگردیده است.

پذیرش و مداخله در امر تعقیب و کیل در مراجع انتظامی یادشده نیست

■ نظریه مشورتی شماره ۱۳۹۵/۰۹/۲۸-۷/۹۵/۲۴۰۰.ح.ق.ق:

اعمال ماده ۴۷۷ ق.آ.د.ک ۱۳۹۲ (به مانند ماده ۱۸ اصلاحی ۱۳۸۵ منسوخ ق.ت.د.ع.ا) از اختیارات رئیس قوه قضائیه است و درخواست تجویز اعاده دادرسی موضوع این ماده، تنها در زمره اختیارات مقامات مصرح در تبصره ۳ این ماده است و حق درخواست اعمال

ماده ۶۶۳- وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.

عدم امکان انجام عمل خارج از حدود وکالت

شخصاً مسؤول نیست، به اعتبار برات و امنیت معاملات برواتی خدشه وارد خواهد شد. ای است که، همانطور که در امور مدنی نیز پذیرفته شده است، در چنین موردی نیز باید قائل به مسولیت شخص وکیل شویم. در چنین حالتی باید فرض نمود که، با عدم ذکر نام موکل، وکیل مانند حق‌العمل کار عمل نموده و شخصاً مسؤول پرداخت است. در حق‌العمل کاری، نیامدن نام موکل تأثیری در اعتبار قرارداد حق‌العمل کار با طرف معامله ندارد.

سوال دیگری که مطرح می‌شود این است که در صورتی که شخصی که به

■ ظاهر ماده می‌رساند که اگر وکیل، در حین صدور، قید وکالت کرده باشد (یا بعداً معلوم شود که به وکالت عمل کرده است) شخصاً مسؤول نخواهد بود. پس اگر وکیل مسؤول نباشد، و موکل هم برای دارنده معلوم نباشد چه باید کرد؟ از آنجا که قید نام و مشخصات برات‌دهنده (اصیل) از ضروریات برات نیست، برات را نمی‌توان باطل اعلام کرد. از آنجا که موکل هم معلوم نیست، دارنده نمی‌تواند به او مراجعه کند. پس کسی که باقی می‌ماند وکیل است. اگر ماده ۱۹۶ ق.م. را این‌گونه تفسیر کنیم که، حتی در چنین حالتی، وکیل



این رابطه کرده است: «مدیران شرکت کلیهٔ اختیارات لازمه برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت، مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث کأن لم یکن است.» تفاوت این ماده با ماده ۱۱۸ ل.ا.ق.ت، راجع به شرکت‌های سهامی، روشن است. در اینجا شرکت فقط در حدود اساسنامه مسؤل است. پس، اگر اساسنامه حدودی برای اقدامات مدیر معین کرده باشد شرکت می‌تواند از انجام تعهد خود نسبت به دارنده برات، در حدود مقررات اساسنامه، سر باز زند. در سایر موارد منعکس در بالا، هرگاه وکیل (برات‌دهنده)، از حدود وکالت خارج شده باشد، موکّل مسؤل نخواهد بود، چه میان موکّل و دارنده برات هیچ‌گونه رابطه حقوقی وجود ندارد. ماده ۶۷۴ ق.م در این مورد می‌گوید: «در مورد آنچه که در خارج از حدود وکالت انجام داده شده موکّل هیچ‌گونه تعهدی نخواهد داشت، مگر اینکه اعمال فضولی وکیل را صراحتاً یا ضمناً اجازه کند» از طرفی، میان وکیلی که از حدود وکالت خارج شده و دارنده نیز رابطه قراردادی وجود

وکالت برات صادر می‌کند از حدود وکالت خود - یعنی قرارداد وکالتی که بین او و موکّل است- پا را فراتر گذارد، چه باید کرد؟ مورد نظر در اینجا، البته، حقوق دارنده در مقابل موکّل است و به رابطه میان وکیل و موکّل کاری نداریم، که مطابق قواعد عام وکالت خواهد بود. در ل.ا.ق.ت مصوّب ۱۳۴۷ وضعیّت مدیری که به وکالت از طرف شرکت سهامی عمل می‌کند مشخص شده است. در واقع ماده ۱۱۸ لایحه اخیر مقرر می‌دارد که: «... مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است.» پس هرگاه مدیری براتی را به وکالت از طرف شرکت سهامی صادر کند، عنوان کردن این نکته که صادرکننده از حدود اختیارات خود به موجب اساسنامه یا قرارداد میان شرکت و مدیر خارج شده اسامسّموع نیست و شرکت (موکّل) در مقابل اشخاص ثالث شخصاً مسؤل خواهد بود. در مورد شرکت با مسؤولیت محدود نیز قانون‌گذارند قید خاصی در

نیاز به تنفیذ موکل دارد. چراکه به موجب ماده ۶۶۳ ق.م: «وکیل نمی‌تواند عملی را که از حدود وکالت او خارج است انجام دهد.» هرگاه موکلین در وکالت‌نامه متعدّد باشند، مفاد این قرارداد باید به امضای همه موکلین برسد. در غیر این صورت دادگاه قرارداد وکالت را تنها نسبت به اشخاصی که آن را امضاء کرده‌اند، معتبر خواهد شناخت. البته، در صورت عدم مطابقت اسامی موکلی با ذیل وکالت‌نامه، دادگاه باید از وکیل توضیح بخواهد (رأی شعبه ۱۲ دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه ۱۲/۲۷۶/۷۲) و اگر ابهام، کلی بوده با توضیحات وکیل، مستدل یا مستند نباشد، دادگاه از قبول وکالت‌نامه خودداری خواهد کرد. (افتخارچهرمی، گودرز؛ السان، مصطفی؛ آیین دادرسی مدنی، ج ۱، ص ۲۱۲-۲۱۱)

■ نظریه مشورتی شماره ۷/۲۳۷۲-۱۳۷۲/۱۲/۱۱.ح.ق.ق:

با توجه به مواد ۶۶۳ و ۶۶۷ ق.م، به لحاظ اینکه وکیل نباید از آنچه که موکل بالصرّاحه به او اختیار داده یا برحسب قرائن و عرف داخل در اختیار او است تجاوز نماید و حق ندارد عملی را که از حدود وکالت او خارج است، انجام دهد، لذا چنانچه وکیل اول

ندارد، چه قصد طرفین و توافق آنها بر این بوده که طرف قرارداد با وکیل معامله می‌کند، چون وکیل وکالت نداشته است، نمی‌توانسته قراردادی به‌عنوان وکیل منعقد کند؛ بنابراین به حکم ماده ۶۶۳ ق.م میان او و دارنده برات رابطه حقوقی برقرار نمی‌شود؛ به عبارت دیگر امضاء وکیل هیچ اثری ندارد و علم و جهل او به فضولی بودن عمل در نفوذ معامله بی‌اثر است، آنچه باقی می‌ماند این است که دارنده، بر اساس مقررات عام مسؤولیت مدنی، از وکیل که از حدود وکالت خارج شده و قرارداد بی‌اثری امضاء نموده است شکایت کند. (اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت تطبیقی، چ ۲، صص ۴۴-۴۲)

■ مفهوم «اصل تفسیر مضیق اختیار وکیل» این است که نمی‌توان موکل را فراتر از آنچه اراده کرده و خواسته است ملتزم کرد. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، ص ۲۱۳)

■ وکیل نمی‌تواند خارج از اختیاراتی که به موجب قانون و قرارداد وکالت با موکل به وی داده شده، اقدام نماید. برای مثال، وکیلی که به وی اختیار سازش داده نشده، نمی‌تواند با طرف دعوا سازش کند. در فرض سازش، صلح‌نامه تنظیمی غیرنافذ می‌باشد و

وصی، علی‌الاصول می‌تواند برای انجام کارهای مربوط به وصایت، وکیل انتخاب نماید و انتخاب وکیل نیاز به تصریح در وصیتنامه ندارد مگر اینکه صراحتاً یا ضمناً مباشرت شخص وصی شرط شده باشد یا اینکه وصیت از اموری باشد که قابل توکیل نیست.

وکیل دوم را برای خود انتخاب نکرده باشد و فاقد حق عزل وکیل منتخب باشد، حق عزل وکیل انتخابی را ندارد اما اگر وکیل دوم را برای خود انتخاب کرده باشد، حق عزل او را خواهد داشت.

■ نظریه مشورتی شماره ۷/۳۸۷۴-۱۳۷۶/۶/۲۱ ا.ح.ق:

وکیل در
قبض حق
نبودن وکیل
در محاکمه

ماده ۶۶۴- وکیل در محاکمه، وکیل در قبض حق نیست؛ مگر اینکه قرائن دلالت بر آن نماید و همچنین وکیل در اخذ حق، وکیل در مرافعه نخواهد بود.

طرح دعوی دو موضوع جداگانه هستند و وکالت در یکی از آن دو، وکالت در دیگری نیست. افزون بر آن طرح دعوی نیازمند پرداخت هزینه دادرسی است و امکان طرح دعوی متقابل نیز علیه بستانکار به وجود می‌آید؛ بنابراین بدون اذن صریح، وکیل به طرح دعوی نیست. (در انجام یک معامله، وکالت، برگ ۱۳۰. بر همین مبنی در حقوق فرانسه گفته شده است وکالت در انجام یک معامله، ضرورتاً دربرگیرنده طرح دعوی در زمینه صحت این قرارداد نیست. دانیل الکساندرا، همان، ش ۸۳) با این حال پاره‌ای از فقیهان نظر بر جدایی دو حالت زیر را داده‌اند. به این معنی که اگر موکل از انکار بدهی از سوی

■ فقدان اختیار وکیل در قبض در محاکمه را می‌توان از جمله مصادیق اکتفا به قدر متیقن دانست و بحث لوازم و مقدمات وکالت (اذن در شیء، اذن در لوازم آن نیز هست) در این مورد صدق ننموده و منصرف از آن است.

■ وکالت در محاکمه شامل اخذ حق نمی‌شود و از مقدمات و لوازم محاکمه نیز نمی‌باشد و همچنین وکیل در اخذ حق، وکیل در محاکمه و اقامه دعوی نسبت به آن نخواهد بود. (امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۸، ص ۳۰۰)

■ حکم این ماده صریح است و موضوع را به قرائن نیز واگذار نکرده است؛ زیرا وکالت در دریافت طلب و

دو طرف گرفته است عدول کند. اختیار وکیل برای دعوی و دادگاه قابل احراز و بازرسی است و سند پنهانی میان وکیل و موکل اثری در رابطه با آن دو ندارد: قانون آیین دادرسی مدنی اعطای وکالت در دادرسی را شامل تمام اختیارات لازم می‌داند، مگر اینکه اختیاری استثناء شده باشد و موارد ویژه که تصریح در وکالت‌نامه ضروری است (مواد ۶۲ و ۶۳ ق.آ.د.م. سابق = ۳۵ کنونی) پس، طرف دعوی و دادرسی می‌تواند با ملاحظه وکالت‌نامه وکیل دریابد که او نسبت به اقدامی که می‌کند اختیار دارد یا فضولی گام بر می‌دارد. در نتیجه، طرف دعوی نمی‌تواند از اثر تقصیر وکیل درباره خود شکایت داشته باشد. (کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، ج ۸، ش ۱۸۰، صص ۳۹۴-۳۹۳)

■ اقدام خلاف مصلحت وکیل سبب ضمان او در برابر موکل می‌شود ولی، اعتبار تصمیم دادگاه را که بر پایه اظهار یا درخواست وکیل گرفته شده از بین نمی‌برد، مگر اینکه تقلبی صورت گرفته باشد که مبنای تجدیدنظر قرار گیرد. رویه قضایی به‌ویژه در اقدامی که وکیل ندانسته و غیرعمد به زیان موکل انجام داده است سختگیر است و آن را مجوز نقض

بدهکار و خودداری او از پرداخت بدهی آگاه باشد، وکالت در گرفتن حق موکل ملازمه با اختیار وکیل در طرح دعوی نیز دارد؛ زیرا دریافت طلب مستلزم طرح دعوی است ولی اگر بستانکار آگاهی از شیوه برخورد بدهکار نداشته باشد وکیل حق طرح دعوی ندارد. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، ج ۱، ص ۲۱۴. ر.ک به: المعنی، وکالت، ش ۳۶۹۹. - در فقه حنفی نیز وکالت دریافت طلب، حق دعوی طرح به وکیل در صورت انکار بدهکار داده شده است، بدایع، ج ۶، برگ ۲۵)

■ تجاوز از حدود اختیار تنها برای وکیلی ضمان آور است، اعتبار اعمالی را هم که به نیابت انجام داده است از بین می‌برد. اقدام وکیل فضولی است و در صورتی اثر دارد که موکل آن را تنفیذ کند. پس، اگر اقدامی دادرسی کرده باشد، تا زمانی که تجدیدنظر در حکم امکان دارد، بر طرف می‌شود و این امر در حقوق طرف دعوی نیز مؤثر است. برای مثال، هرگاه وکیل بدون اینکه اختیار ارجاع امر به داوری داشته باشد با طرف دعوی در این زمینه تراضی کند، موکل می‌تواند اقدام فضولی او را اجازه ندهد. در نتیجه، داوری بر هم می‌خورد و دادگاه نیز باید از تصمیم خود که بر پایه تراضی

کرده است که واگذاری اختیار سازش به شخصی در بر گیرنده اختیار ارجاع اختلاف به داوری نمی‌باشد؛ زیرا ارجاع اختلاف به داوری که یک مرجع استثنایی است از حقوق موکل است و بدون اذن صریح، وکیل چنین اعتباری ندارد. این حکم در حقوق مدنی ایران نیز قابل پذیرش است و به دلیل اهمیت چنین تصمیمی، وکیل باید وکالت ویژه در این زمینه داشته باشد. با این حال سختی این قاعده در قراردادهای تیپ تعدیل شده است. عرف‌های حرفه‌ای نیز می‌توانند در برگیرنده اختیار ارجاع به داوری باشند. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، ج ۱، صص ۲۱۶-

(۲۱۵)

■ ر.ک به مادتين ۳۶-۳۵ ق.آ.د.م.

تصمیم دادگاه و صدمه زدن به حقوق طرف دعوی نمی‌داند. برای مثال، اگر وکیلی در حدود اختیار خود و با بی‌مبالاتی بر خلاف مصلحت موکل در ارجاع به داوری یا تعیین داور یا صلح با طرف تراضی کند، اثبات بی‌مبالاتی وکیل در رعایت مصلحت موکل، سبب ابطال تصمیم دادگاه در ارجاع به داوری یا گزارش اصلاحی نمی‌شود، هر چند که برای وکیل ضمانت‌آور باشد. (کاتوزیان، ناصر، ضمان قهری، چ ۸، ش ۱۸۰، ص ۳۹۴. - درباره اثر اقدامی که وکیل بر خلاف مصلحت موکل می‌کند و طرح و تحلیل بحث ر.ک به: کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۴، ش ۱۰۳-۱۰۲)

■ ماده ۱۹۸۹ ق.م.فرانسه وکیل را از انجام اموری که فراتر از حدود اختیارات اوست ممنوع دانسته و تاکید

ماده ۶۶۵- وکالت در بیع وکالت در قبض ثمن نیست مگر اینکه قرینه قطعی دلالت بر آن کند.

وکیل در قبض ثمن نبودن وکیل

(امامی، سید حسن، حقوق مدنی، ج ۲، چ ۱۸، ص ۳۰۰)

■ این ماده باید محدود تفسیر شود؛ بنابراین شامل بیع صرف نمی‌گردد.

■ بیع بدون قبض ثمن از مشتری ممکن است و بیع مستلزم اخذ ثمن نمی‌باشد و از مقدمات آن نیز نیست، ولی هرگاه قرینه قطعی دلالت کند که وکالت در بیع شیئی وکالت در اخذ ثمن آن نیز می‌باشد.

مسئولیت
وکیل مقصر
در صورت
توجه
خسارت به
موکل

ماده ۶۶۶- هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب می‌گردد مسؤول خواهد بود.

ناصر، عقود معین، ج ۴، چ ۲، ش ۱۰۳، ص ۱۸۳

■ بر پایه این ماده می‌توان گفت وکیل مسؤول زینهای است که از انجام ندادن موضوع وکالت وارد شود. همچنین اگر وکیل مرتکب تدلیس یا هرگونه خطایی در انجام موضوع وکالت شود که موجب ورود زیان به موکل گردد مسؤول خواهد بود. مسؤولیت وکیل در برابر موکل در این موارد قراردادی است. (کاشانی، سید محمود، قراردادهای ویژه، چ ۱، ص ۲۱۹)

■ منظور از «زیان موکل»، زیان نامتعارف است؛ زینانی که عرف آن را قابل مسامحه نمی‌داند و به‌طور معمول اشخاص در دادوستدهای خود از آن نمی‌گذرند؛ بنابراین، اگر کالایی را که بهای واقعی آن صد هزار ریال است وکیل به هزار ریال کمتر بفروشد، هیچ‌کس آن را فضولی نمی‌شمرد و کار وکیل را «تعدی» نمی‌داند، مگر اینکه موکل به نارضایی خود در مورد فروش کمتر از صد هزار ریال تصریح کرده باشد. (محقق ثانی، جامع المقاصد، ج ۱، ص ۴۹۱ - کاتوزیان،

ماده ۶۶۷- وکیل باید در تصرفات و اقدامات خود مصلحت موکل را مراعات نماید و از آنچه که موکل بالصراحه به او اختیار داده یا بر حسب قرائن و عرف و عادت داخل اختیار اوست، تجاوز نکند.

رعایت
مصلحت
موکل توسط
وکیل در
تصرفات و
اقدامات خود

محمد کاظم، عروة الوثقی، ج ۲، ص ۲۳۱ - کاتوزیان، ناصر، عقود معین، ج ۳، چ ۵، ش ۱۳۱، ص ۲۴۶

■ واژه «مصلحت» در این ماده به معنی «منافع موکل» به‌کار رفته است. در جایی که وکیل منافع موکل را رعایت می‌کند از آزادی عمل برخوردار است ولی اگر از حدود اختیارات خود بیرون رود در برابر موکل و شخص

■ از نظر دانش اصول فقه لفظ «قرائن» در این ماده، از این جهت، قرینه غیرلفظی محسوب است که در مقابل مصرح قرار دارد؛ زیرا قرینه از جنس لفظ نیست.

■ مفهوم «مصلحت» را عرف معین می‌کند و وابسته به ارزشهای نسبی در زمان و مکان است و هیچ ضابطه عقلی و شرعی ندارد. (طباطبائی یزدی، سید